



پاک‌دست‌ترین‌ها در دولت سیزدهم

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین تجلیل از دست‌اندرکاران نمایشگاه کتاب اظهار کرد: در دولت سیزدهم ما بهترین، پاک‌دست‌ترین و مرتبط‌ترین افراد را در حوزه کتاب انتخاب کردیم. او همچنین درباره نمایشگاه کتاب در تهران گفت: من از فعالان حوزه نشر و کتاب تشکر می‌کنم که در نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۲، فتنه فرهنگی دشمن را خنثی کردند و باعث شدند نقشه‌های دشمنان کشورمان نقشه بر آب شود. در ابتدای کار ما در دولت سیزدهم، ۴ هزارتن ظرفیت تولید کاغذ داشتیم که در این مدت واقعاً روزانه پیگیر مسئله تولید کاغذ بودیم و با اضافه‌شدن مجموعه زاگرس، ظرفیت تولید کاغذ به ۱۳۰ هزارتن خواهد رسید و این نشان‌دهنده اقتدار فرهنگی است. وزارت فرهنگ را با ۱۲۰۰ میلیارد تومان تحویل گرفتیم و با بودجه ۲۰ هزار میلیارد تومان تحویل گروه جدید خواهد شد. اسماعیلی در پایان گفت: در دولت سیزدهم هیچ‌یک از وزرا و معاونان، یک ریال هم پول بابت مأموریت داخلی و خارجی دریافت نکردند؛ چون این موضوع را شهید رئیسی ممنوع کرده بود.



آغاز فیلمبرداری اثر جدید چان ووک

استاد سینمای کره، پارک چان ووک فیلمبرداری فیلم جدیدش را شروع کرد. این کارگردان مؤلف ۶۰ ساله، روز شنبه دوازدهمین فیلم خود را که اقتباسی از رمان «تبر» دونالد وست‌لیک، نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۹۶ است، آغاز کرد. در این فیلم که در حال حاضر با نام «نمی‌توانم کمک کنم» معرفی می‌شود، لی بیونگ-هون و سون ی-جین از چهره‌های مشهور سینمای کره بازی می‌کنند. با اقتباس از رمان «وست لیک»، پیش از این کوستا گاوراس فیلمی فرانسوی به‌نام «تبر» در سال ۲۰۰۵ ساخته بود. اقتباس پارک هم به اصل داستان وفادار است و مانند نسخه فرانسوی درباره مردی است که به‌طور ناگهانی توسط شرکت تولید کاغذ که سال‌ها در آن به‌شکلی خستگی‌ناپذیر کار می‌کرد، اخراج می‌شود. مرد در جست‌وجوی کار جدید ناموفق است و در نهایت تصمیم می‌گیرد قیای شغلی خود را بکشد. این فیلم اولین فیلم بلند پارک پس از درام معمایی رمانتیک «تصمیم به ترک» در سال ۲۰۲۲ است که تحسین منتقدان را به دست آورد.



نیکلاس کیچ نماد فوتبال آمریکا می‌شود

نیکلاس کیچ، نقش جان مدن، مربی افسانه‌ای فوتبال آمریکایی و مفسر ورزشی در درام زندگی‌نامه‌ای «مدن» به کارگردانی دیوید اوراسل بازی می‌کند. راسل در بیانیه‌ای از کیچ به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و اصیل‌ترین بازیگران یاد کرد که می‌تواند روحیه، اراده و جذاب‌بودن چهره اسطوره ملی محبوب - جان مدن - را ارائه کند و افزود که این فیلم درباره شادی، انسانیت و نبوغی است که جان مدن در دنیای خلاقانه و جذاب دهه ۱۹۷۰ داشت. به گزارش مهر به نقل از ورنایتی، جان مدن سال ۲۰۲۱ در ۸۵ سالگی درگذشت. او سرمربی تنومند و پرخاشگر تیم اوکلند رایدر در دهه ۱۹۷۰ بود و این تیم را به بازی‌های قهرمانی و اولین قهرمانی در سوپر بول رساند. او پس از بازنشستگی از مربیگری در سال ۱۹۷۹، سده‌ها به‌عنوان مفسر این ورزش کار کرد و سال ۲۰۰۹ در نهایت بازنشسته شد. فیلم «مدن» که راسل نویسندگی و کارگردانی آن را برعهده دارد، برای آمازون تولید خواهد شد.



عکس: شهیند تاجی

ناتوانی در غلبه بر گذشته

گفتارهایی در نقد و بررسی کتاب خاطرات احمد سمیعی گیلانی

پروانه‌وار گرد شمع استاد می‌چرخید و مانند دختر او بود و استاد نیز به او اعتماد داشت. این گفت‌وگو زنجیره اطلاعات ما را درباره تاریخ معاصر تکمیل می‌کند. پیش‌تر گفت‌وگوهایی با عنایت‌الله رضا انجام شده بود. فریدون کشاورز کتاب «من متهم می‌کنم حزب توده ایران را» و انور خامه‌ای کتاب «۵۳ نفر» را نوشت. در همین راستا گفت‌وگو با استاد سمیعی گیلانی، یکی از مهمترین مصاحبه‌ها هست و اطلاعات ارزشمندی برای ما به ارمغان می‌آورد.

درباره خانواده و محیط پرورش سمیعی باید گفت، تاریخچه خانواده پدری او، لاقال از قرن دوازدهم و دوره افشاریه مشخص است. اولین کسی که از این خاندان که در اصل آذربایجانی بودند و به رشت مهاجرت کرد، حاج سمیع بود که تاجر و بسیار ثروتمند بود. حاج سمیع، مغضوب یکی از شاهان افشار قرار گرفت و بر چشمانش در مشهد میل کشیده می‌شود. او در بازگشت در قزوین با بانویی قزوینی ازدواج می‌کند و در رشت صاحب فرزندی می‌شود که خاندان سمیعی را شکل می‌دهند. شاخص‌ترین شخصیت این خاندان در دوره معاصر افزون بر علما، فضلا و اطبا از نظر سیاسی میرزا حسین خان ادیب‌السلطنه سمیعی است.

احمد سمیعی گیلانی، نوه دختری حاج ملا محمد خمایی است. حاج ملا محمد روحانی، تراز اول گیلان از عصر ناصری تا دور مشروطه بوده، اقتدار زیادی نیز در منطقه داشته و احکام اسلامی نیز صادر می‌کرده است و مریدانش نیز احکام او را اجرا می‌کردند. در زمان مشروطه او از مخالفان مشروطه بود. گاه در برهه‌هایی با آن همراهی کرد اما در کل مخالف بود و حرفش نیز این بود که برابری و سویت که در مشروطیت مطرح می‌شود، مخالف اسلام است؛ زیرا خداوند انگشتان یک دست را هم به یک شکل نیافریده است. با همین استدلال او مشروطیت را خلاف اسلام می‌دانست. اکثر دامادها و دخترانش اما با او موافق نبودند و حتی از مشروطه حمایت کردند. برای نمونه حاج ناصر صوفی که نوه میرزا حبیب‌الله رشتی معروف بود، جلسات مشروطه‌خواهان را در خانه‌اش برگزار می‌کرد. بعد از مشروطه نیز در اسنادی که درباره دخل و خرج کمبته

ستار و رشت به دست آمده است، دیده می‌شود که دختران او طلا و جواهراتی را برای مصارف کمبته ستار اهدا کرده بودند. حاج خمایی شش فرزند داشت. پسرش در جوانی و پیش از مشروطه درگذشت. دختر اول او حجت‌الحاجیه، همسر حاج سیدمحمد روحانی بود. روحانی از مشاهیر مجتهدان گیلان بود. یک‌بار نماینده مجلس شورای ملی و یک‌بار نماینده مجلس موسسان شد. در همان مجلس شورای ملی رئیس سنی مجلس در ابتدای تشکیل آن نیز شد. فرزند او حاج سیدمحمد روحانی که از روسای درویش گیلان بود، فرزند همین زوج بود. دختر دیگر این زوج فخرالعالیه روحانی، همسر شیخ اسدالله رضا بود که مادر دکتر عنایت‌الله رضا (شوهر خواهر استاد سمیعی) محسوب می‌شود. فرزند دیگر حاج روحانی، افسر‌الحاجیه بود که با ابراهیم آقای رفیع ازدواج کرد. خانواده رفیع هم خانواده‌ای سرشناس در گیلان بودند. فرزند دیگر حاج خمایی، شوکت‌الحاجیه، همسر حاج محمدحسین آقای مجتهد است. این داماد نیز از خانواده رفیع است. دختر دیگر، عزت‌الحاجیه، همسر حاج ناصر صوفی است که نوه میرزای رشتی و از مشروطه‌خواهان بود. فرزند پنجم، شمس‌الحاجیه، همسر حاج میرزا قاسم مجتهد سمیعی و مادر استاد احمد سمیعی بود. دیگر فرزندان این زوج نیز محترم، محمد مهدی، احترام، نصرالله، فضل‌الله سمیعی بودند. فرزندششم، کوچک‌خانم، همسر دوم حاج سیداسماعیل آقا ویشکایی بود. فرزند آنها، سیدحسین ویشکایی، رئیس اعتبارات بانک کشاورزی بود.

جددا از این محیط خانوادگی اینک باید به این مهم پرداخت که چه شد که جوانانی چون سمیعی به سوسیالیسم گرایش پیدا کردند؟ در این زمینه توجه بدین نکته اهمیت دارد که از دوره مشروطه، مرام سوسیال دموکراسی توسط بلشویک‌ها و منشویک‌ها تبلیغ می‌شد. جزوات آنها منتشر می‌شد و افراد باسواد گیلانی با این افکار آشنا بودند. این امر از حدود ۱۵ سال پیش از تولد احمد سمیعی شروع می‌شود. سمیعی متولد ۱۲۹۹ بود. در همان سال بلشویک‌ها به داخل گیلان آمدند و بعد از قهر میرزا کوچک‌خان و حرکتش به سوی فومنات، دست روس‌ها باز شد و مجالس مختلفی در تبلیغ مرام کمونیسم و سوسیالیسم برپا کردند. عده زیادی از گیلانی‌ها در این مجالس حضور پیدا می‌کردند. حتی بسیاری از جوانان از تهران به رشت می‌آمدند و به جمهوری شورایی گیلان می‌پیوستند. نکته مهم دیگر درباره خاستگاه سمیعی، توجه به تنوع قومیتی و مذهبی در گیلان است. رشت و انزلی مراکز شهری تجاری بودند. اولاً از سراسر ایران اقوام مختلف از یزد، مشهد، اردبیل و تبریز به رشت می‌آمدند و در آنجا ساکن می‌شدند. مذاهب مختلفی نیز در گیلان حضور داشتند: از یهودی‌ها و مسیحی‌ها تا اهل سنت و شیعه. روی هم‌رفته در جامعه گیلان از نظر فکری و مذهبی تساهل و تسامح وجود داشت. نکته دیگر اینکه زن‌ها در گیلان بیش از زنان سایر نقاط ایران در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشتند. حتی کسانی که از اوایل دوره پهلوی خاطراتی نگاشته‌اند و حتی قبل از منع حجاب در این باره گفته‌اند که در رشت خانم‌ها با همان چادر به تئاتر می‌رفتند؛ در حالی که زن‌ها در آن تاریخ در تهران به تئاتر نمی‌رفتند. در رشت مدارس و کلاس‌هایی تشکیل می‌شد و زنان در گیلان، ارتقای فکری پیدا می‌کردند. در اینجا توجه به دبیرستانی هم که سمیعی در آن تحصیل کرد؛ یعنی مدرسه متوسطه نمره یک که بعدتر به دبیرستان شاهپور تغییر نام داد، اهمیت دارد. این مدرسه شاهپور در سال ۱۳۱۴ در عمارتی جدید ادامه کار می‌دهد. آلمانی‌ها نیز مدرسه بسیار وسیع و زیبایی تأسیس می‌کنند که کتابخانه و آزمایشگاه‌هایی طبیعی، شیمی و فیزیک داشته است. البته قبل‌تر در رشت مدرسه یونانی، مدرسه روسی و مدرسه آمریکایی ساخته شده بود. اکثر این مدارس، صبغه مذهبی داشتند. در مورد مدرسه شاهپور اما باید گفت هم دانش‌آموزان و هم معلمان، مسیحی و یهودی داشت. از جمله آنها الکساندر جراحیان را می‌توان نام برد که از دبیران فرانسه مدرسه به‌شمار می‌رفت. سه‌موتیل احتشام‌زاده نیز یهودی بود که آنجا درس می‌داد. بزرگانی چون محمد معین، عنایت‌الله رضا، هوشنگ ابتهاج و... از فارغ‌التحصیلان این مدرسه بودند. اینها سرچشمه‌های شکل‌گیری فکر سمیعی هستند. مضاف بر آنها خانواده سمیعی نیز. هم پدر، هم مادر - هر دو روشنفکر و اهل تساهل و تسامح بودند.

هنوز دلبسته حزب توده بود



کاوہ بیات مورخ کتاب را که خواندم، برآورد این بود که می‌توان در چند بخش بدان پرداخت. در درجه اول شرح کوتاهی از فصول کتاب و مباحثی که مطرح شده است، می‌دهم. بعد به نکاتی می‌پردازم که درخور توجه و قابل تأمل بودند. بعد از آن، اشاراتی می‌کنم درباره اشتباهات و خطاهایی که وارد کتاب شده است. همچنین برداشت خودم را از نوع شخصیت و کاراکتر سیاسی استاد عرض می‌کنم.

سال‌ها پیش در سال ۱۳۶۶ دکتر چنگیز پهلوان در مقاله‌ای با عنوان «گذشته غلبه‌نا یافتنی»، در نقد خاطرات منتشر شده تعدادی از سران حزب توده نظیر خلیل ملکی، انور خامه‌ای و فریدون کشاورز از دشواری‌های بسیاری نوشت که افراد در برخورد با گذشته خود با آنها مواجه می‌شوند. به نظر می‌آید پدیده‌هایی از این دست، شامل مرور زمان نمی‌شوند. آن دشواری‌ها به قوت خود باقی است. خاطرات احمد سمیعی گیلانی که به‌همت سایه اقتصادی نیا طی سلسله‌نشست‌ها و مصاحبه‌هایی در دوره کرونا ضبط و تدوین شده است، با مروری بر دوران کودکی احمد سمیعی در رشت، وضعیت خانوادگی و دوران تحصیلات ابتدایی او در آن سامان آغاز می‌شود. رفت‌وبرگشتی به تهران، یک‌دوره کوتاه تحصیلی در مدرسه سن لویی و آنگاه اقامت طولانی‌تر در تهران و ورود به دانشسرای عالی از دیگر مواردی است که در ادامه موضوع یادآوری قرار گرفته است. طبیعتاً بخشی از این خاطرات معرفی استاید دانشسرا، نحوه تدریس و طرز